



ایران باستان

شعر خواهم آمد... سهراب سپهری

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۴ مرداد ۱۳۹۲ | دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

سهراب سپهری خواهم آمد... گل یاسی به گدا خواهم داد. زن زیبای جذام را، گوشواری خواهم بخشید. کور را خواهم گفت چه تماشا دارد باغ!!! دوره گردی خواهم شد، کوچه ها را خواهم گشت جار خواهم زد: آی شبنم، شبنم، شبنم راهگذاری را خواهم گفت: راستی را شب تاریکی است، کهکشانی خواهم دادش هر چه دشنام از لب ها خواهم برچید هر چه دیوار از جا خواهم کند ابر را پاره خواهم کرد من گره خواهم زد چشمان را با خورشید دل ها را با عشق، سایه ها را با آب، شاخه ها را با باد و به هم خواهم پیوست خواب کودک را با زمزمه ی زنجره ها بادبادک ر



سهراب سپهری

خواهم آمد... گل یاسی به گدا خواهم داد. زن زیبای جذام را، گوشواری خواهم بخشید. کور را خواهم گفت چه تماشا دارد باغ!!! دوره گردی خواهم شد، کوچه ها را خواهم گشت جار خواهم زد: آی شبنم، شبنم، شبنم راهگذاری را خواهم گفت: راستی را شب تاریکی است، کهکشانی خواهم دادش هر چه دشنام از لب ها خواهم برچید هر چه دیوار از جا خواهم کند ابر را پاره خواهم کرد من گره خواهم زد

چشمان را با خورشید دل ها را با عشق، سایه ها را با آب،

شاخه ها را با باد و به هم خواهم پیوست خواب کودک را با زمزمه ی زجره ها بادبادک را به هوا خواهم برد. گلدان ها را آب خواهم داد.

سهراب سپهری

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «شعر خواهم آمد... سهراب سپهری»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1304/pdf/خواهم-آمد.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹